

تأملی در ادبیات حماسی عرب در عصر حاضر

اثر: دکتر زهرا رفیعی راد

دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

(از ص ۳۹۷ تا ۴۱۶)

چکیده:

شرح شاعرانه از پهلوانیهای قهرمانان اساطیری در راه حفظ کیان ملت و در قالب داستانهای جذاب و اوزانی دلنشین و متنوع، شعر حماسی نامیده می‌شود. هر چند که ادبیات عربی با شعر حماسی به معنی اخص آن آشنایی نداشت، در عصر حاضر و بنابه دلایل گوناگون، ادبیات حماسی در میان ادبای عرب مطرح شد و در آثار شعرای حماسه سرا نظیر احمد محرم ظهور یافت. از سوی دیگر خصائص شعر حماسی به زیباترین شکل در آثار فوزی معلوف (سراینده حماسه‌ علی بساط الریح) و شفیق معلوف (با حماسه عبقر) تجلی یافت و با جریانهای ادبی عصر همراه شد و صفحات جدیدی به شعر حماسی افزوده شد که حتی در ادبیات حماسی هم سابقه نداشت.

واژه‌های کلیدی: ادبیات حماسی عرب، عصر حاضر، شعر تعلیمی،

ادبیات هومری، حماسه‌های اسلامی.

مقدمه:

تعریف لغوی حماسه

حماسه به فتح اول یعنی دفاع و جنگ. ابن منظور در لسان العرب می‌گوید: «حَمَسَ الامرَ حَمْسًا أَيْ اَشْتَدَّ وَ تَحَامَسَ القَوْمُ تَحَامُسًا وَ حَمَّاسًا أَيْ تَشَادَّوْا وَ اَقْتَتَلُوا، که به معنی در هم آمیختن و کشتن به کار برده است» (ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ اول، لبنان، ج ۳، باب الحاء)

نیز عرب لفظ مَلْحَمَة را مترادف با حماسه می‌داند و ترجمه مَلْحَمَة را غالباً حماسه بیان می‌کند.

در لسان عرب ملحمه به معنی جنگ بسیار بزرگ است و تاء مربوطه در آن دلالت بر کثرت دارد یعنی جایی که در آن جنگ تن به تن بسیار است. (همان منبع، جلد ۱۲، باب اللام) در زبان انگلیسی از حماسه با کلمه Epic تعبیر می‌شود که به معنی خرافه و داستانهای رزمی است.

معنا و مفهوم حماسه

حماسه زاده اسطوره است. یعنی اسطوره می‌پرورد، در می‌گسترده و زمینه‌آفرینش فرهنگی را پدید می‌آورد که آن حماسه است. (کزازی، میر جلال الدین، حماسه، اسطوره، روایا، ص ۱۸۳)

اما اسطوره، تاریخی است مینوی شده و از خود آگاهی به ناخود آگاهی رسیده. در هر پدیده حماسی دو ناساز (paradoxe) رویاروی یکدیگرند، اسطوره، داستانها و اتفاقاتی است که زائیده خیال است و دارای دیدگاه جهان شناسی می‌باشد. اسطوره به همراه حماسه‌ها از مینوبه گیتی می‌آید و جنبه گیتیک به خود می‌گیرد. روندهای گیتیک شدن، بنیادها و نمادهای اسطوره‌ای ساز و کارهای حماسی را پدید می‌آورد. رویارویی خدایان و پدیده‌های مینوی که در سرشت حماسی است، اندک اندک به رویارویی پهلوانان بزرگ و آئینی می‌انجامد. در این خصوص می‌توان

تأملی در ادبیات حماسی عرب در عصر حاضر / ۳۹۹

به جنگهای ایرانیان و تورانیان، بزم و رزم، مهر و کین، نوش و نیش اشاره کرد. (همان منبع، صص ۱۸۶، ۱۸۷)

دکتر ذبیح الله صفا در باره اسطوره‌ای بودن حماسه می‌گوید: «حماسه جنبه اسطوره‌ای دارد و هر چند از جنبه اساطیری و ابهام روایات کاسته شود و وقایع تاریخی در حماسه راه یابد از ارزش حماسی روایات کاسته می‌گردد و بر ارزش تاریخی آن افزوده می‌شود». (صفا، ذبیح الله، حماسه سرایی، ص ۱۱)

معنا و مفهوم شعر حماسی:

ارسطو در تعریف شعر حماسی گوید: در حوزه شعر، سه ساختار بنا شده است: تراژدی، کمدی حماسه. در حماسه یک نوع تقلید و محاکات وجود دارد که به وسیله وزن از احوال و اطوار مردمان بزرگ انجام می‌شود و وزن واحدی دارد و طولانی می‌باشد. (ارسطو، فن الشعر، ترجمه دکتر زرین کوب، ص ۱۲۱)

ویژگی‌های شعر حماسی

- ۱ - شعر حماسی از آغاز برخوردار است که معمولاً با خطاب الهه یا یکی از قدیسان آغاز می‌شود و طبق عقاید هر ملیتی یا مذهبی صورت می‌گیرد.
- ۲ - ابهام در زمان و مکان که هرچه بیشتر باشد حماسه ممتازتر است.
- ۳ - شعر حماسی باید مدتها پس از حوادثی که از آنها سخن می‌گویند به وجود آمده باشد.
- ۴ - در عین توصیف قهرمانیها و مردانگیهای قوم، نماینده عقاید و آرا و تمدن او نیز باشد. (صفا، ذبیح الله، حماسه سرایی، صص ۷ و ۹)
- ۵ - سادگی موضوع یعنی حماسه باید از سادگی برخوردار باشد.
- ۶ - پرداخت شدن موضوع حماسه همراه با خیال غنی تراوش شده از ذهن شاعر.

- ۷- داشتن اسلوب روایی (داستانی)
۸- داشتن گفتگو. (گفتگوی حماسی Epic dialoga)
۹- اعمال خارق العاده (شمیسا، سیروس، انواع ادبی، ص ۶۵)

عناصر شعر حماسی

۱- موضوعی یا موضوعاتی که انگیزه جنگ ملتهاست ۲- جهان حماسی براساس باورهای اساطیری ۳- قهرمان یا قهرمانان حماسه (ترجینی، فایز، الادب انواع و مذاهب، ص ۲۱) ۴- عنصر داستان ۵- عنصر اغراق و مبالغه (خفاجی، عبدالمنعم، الجزء الثالث، ص ۱۰۴) ۶- اسطوره (Myth) ۷- تصویر حماسی ملت ۸- عنصر دین که سبب پرورش خوارق می شود.

باید توجه داشت که شعر حماسی انواع مختلفی دارد که شامل حماسه‌های سنتی (Epic primry)، مانند ایلیاد، حماسه‌های ثانوی (Literary Epic) نظیر انه‌ئید و حماسه‌های متأخر (teritary Epic) می باشد. (شمیسا، سیروس، انواع ادبی، ص ۵۲) از سوی دیگر میان شاعر حماسی با مورخ، تفاوت عمیقی وجود دارد چه شاعر حماسه سرا بدون ذکر زمان رخداد به بیان آن می پردازد در حالی که مورخ طبق نظم و ترتیب خاصی حوادث را به تصویر می کشد؛ ضمن اینکه مورخ هرچه را که می گوید تخیل نمی کند در حالیکه شاعر حماسه سرا عناصری از خیال شاعرانه را در ساخت حماسی خود به کار می برد، و تاریخ را با زبانی تخیلی به تصویر می کشد. (بول، وان تیگم، المذاهب الادبیه الکبری، ص ۶۴ نیز رک بستانی، سلیمان، مقدمه ترجمه ایلیاد، ص ۱۶۶)

تاریخچه شعر حماسی

به طور کلی شعر حماسی در میان هندوان، پارسیان، یونانیان، مصریان، و... وجود داشت. هندیان با حماسه رامایانا (پنجم پیش از میلاد) و ایرانیان با حماسه

معروف شاهنامه و یونانیان با حماسه ایلید اثر هومر معروفند، رومیان و فرانسویان و ژرمنها نیز حماسه داشتند.

حماسه در ادبیات عربی

هر چند که عرب حماسه‌ای مستقل و معروف در جهان نداشت، در عصر جاهلی لفظ حماسه در میان شعرا بسیار شایع بود و قطعات مبتنی بر بیان مفاخر و امجاد قبیله در قالب رجز و در میادین جنگ از قهرمانان و جنگاوران عرب بر جای مانده است که حاکی از وجود روح حماسه در میان اعراب جاهلی بود. ناقدان معلقات را اساس حماسه‌های عرب می‌دانند چرا که به شعر داستانی نزدیکتر است. (بستانی، سلیمان، مقدمه ترجمه ایلید، ص ۱۷۲)

استاد سلیمان بستانی، مترجم ایلید هومر می‌گوید: «وقتی ایلید را ترجمه می‌کردم متوجه شدم که عرب در وصف صحنه جنگ تواناتر از یونان است، حتی گنجینه لغوی عرب در فنون جنگی بیشتر از یونان می‌باشد. مثلاً اسب جنگی خود انواعی داشت: اجید (اسب درازگردن) اجرد (اسب کم مو) رعیل (گروه اسبان) و...» همان منبع ص ۱۹۳، ۱۹۵

هرچند که ذخیره لغوی غنی و امجاد قبیله‌ای در میان اعراب وجود داشت و قهرمان حماسی نظیر عنتره، مرکز ثقل اثر حماسی بود و الفاظ فراوان حماسی نظیر میغوار، باسل، نجد، بطل، کمی، مُغامر الحماسة، الملحمة، در اشعار عرب به کار می‌رفت (الهمذانی، عبدالرحمن بن عیسی، الالفاظ الكتابية، صص ۶۲، ۶۵)، متأسفانه شعر حماسی در میان شعرای جاهلی ظهور نکرد.

در عصر اموی با وجود تأکید بر ملیت عرب، شعر حماسی مجال ظهور نیافت آنهم به دلیل حاکمیت فضای خشک سیاسی که عرصه را بر تخیل شاعرانه و عاطفه دقیق، تنگ می‌کرد. (ابوحافه، احمد، فن الشعر الملحمی، ص ۱۱۵)

و در عصر عباسی که عرب ملت واحده شده بود و تخیل و قصه در میان شعرا به

اوج خود رسیده بود، شعر حماسی مجال بیشتری برای عرض اندام یافت. از سوی دیگر در اثر ارتباط با ایران زمینه ظهور شعر داستانی از طریق شعرایی چون "ابان بن عبدالحمید بن لاحق بن عفر" (۲۰۰ هـ) فراهم شد که مژده های (داستانی) نظیر کلیله و دمنه را به نظم کشند. ضمن اینکه مدح خلفا و ذکر فتوحات و مغازی آنان نیاز به اشعار طولانی داشت که شعرا را به سمت تطویل در قصاید سوق می داد و سبب تشکیل ارجوزه هایی در بحر رجز می شد و زمینه ظهور رجزی چون محمد بن عبدربه، ابن معتز و ابوالاغب العجلی را فراهم می کرد. (کفافی، عبدالسلام، الادب المقارن، ص ۲۷۵) در مجموع، شعرای عصر عباسی، موفق به تشکیل شعر حماسی نشدند چرا که غوطه ور شدن در بحث های فلسفی خشک و عدم عنایت به شعر حماسی نظیر شاهنامه یا ایلیداد، ظهور شعر حماسی را مسکوت می گذارد.

استاد عبدالمنعم خفاجی، معتقد است که ادبیات عرب، فاقد شعر حماسی به معنی اخص و فنی آن بود. اما در ادبیات مردمی حماسه هایی مردمی نظیر ابی زید هلالی، زیر سالم، ظاهر ببرز و عنتره وجود داشت و اگر مقصود از شعر حماسی جمع میان تاریخ و حوادث باشد، که شعر عرب پر از اینگونه شعرهاست. (خفاجی، عبدالمنعم، الادب العربی الحدیث، الجزء الثالث، صص ۱۰۹، ۱۱۱)

دکتر شوقی ضیف، علت عدم توفیق عرب در سرودن شعر حماسی را به کوتاهی مقطوعات آن نسبت می دهد و تنفس کوتاه شعری را علت عدم تأسیس شعر حماسی، مطرح می نماید نیز عدم آشنایی اعراب نسبت به شعر نمایشی را به آن عوامل اضافه می کند. (ضیف، شوقی، دراسات فی الشعر العربی المعاصر، صص ۴۴ - ۴۵)

شعر حماسی عرب در عصر حاضر

آغاز قرن نوزده میلادی، آغاز تحولات و تطورات وسیعی در همه زمینه ها بخصوص ادبیات بود. این تحولات بحدی سریع بود که در فاصله کوتاهی همه جای جهان را فراگرفت. بویژه جهان عرب را زیر پوشش خود قرار داد. وقوع

جریانهای عمده ادبی نظیر گرایش نئوکلاسیکی، رمانتیکی، سمبولیکی و ... در ادبیات جهان شایع شد. ادبیات ارزشمند عربی که از دیر باز با تحولات و دگرگونیهای ادبی آشنا بود، اینک در آستانه شکوفایی دیگری قرارگرفت و با امتزاج با ادبیات اروپا، مهاجر و جریانهای سیاسی - اجتماعی - ادبی داخل کشورهای عربی، دست به احیای مجدد عظمت گذشته خود و ساختن آینده‌ای روشن برای نسلهای بعدی علم و ادب زد. یکی از این احیاگری‌ها تطور و شکوفایی ادبیات حماسی بود که همگام با جریانهای ادبی و همصدا با گرایشهای ادبی نظیر رمانتیسم، سمبولیسم و ... ایجاد شده بود که به ابداعی جدید در عرصه ادب پرداخت. از پیشگامان این گرایش ادبی جدید (حماسه سرایی) در کشورهای مختلف عربی از مصر گرفته تا لبنان و عراق و مهاجر و عربستان و سوریه، چهره‌های شاخصی را می‌توان یافت. این ادبا، ضمن احیا و پی‌گیری شعر تعلیمی دست به شکوفایی آن شعر، مطابق با مقتضیات جامعه خود زدند و همراه با تحولات ادبی حاکم بر کشورشان به پویایی آن پرداختند. سلیمان بستانی احمد شوقی، حافظ ابراهیم، فوزی معلوف، شفیق معلوف، خلیل مطران، جمیل صدقی زهاوی، نسیب عریضه، پولس سلامه، احمد محرم و ... از حماسه سرایان معاصر عربند که هر یک به نوعی مراحل تکامل شعر حماسی را پیمودند و آنرا به اوج قله معرفت و عرفان رسانیدند.

علل تطوّر شعر حماسی عرب در عصر حاضر

آنچه سبب شد شعر حماسی به سرعت در عصر حاضر رشد کند، رویکرد شعرا به سمت تطویل شعری و تخیل عمیق و ملی‌گرایی بود. ضمن اینکه عناصری بلاغی نظیر استعاره باشکوه و ایقاع حماسی به آن اضافه شد.

عوامل تمهیدی ظهور شعر حماسی عرب در عصر حاضر عبارتند از: ۱- نهضت ترجمه ۲- استشراف ۳- تطوّر شعر داستانی ۴- تطوّر شعر تعلیمی ۵- مطرح شدن

نهضت و ملیت عرب.

۱- نهضت ترجمه

این نهضت تحول عظیمی در افکار ادبای عرب پدید آورد، چه ترجمه‌های فارسی چه ترجمه‌های اروپایی. ترجمه ایلید هومر توسط سلیمان بستانی (حطیط، کاظم، اعلام و روادفی الادب العربی، ص ۱۸۴ - ۱۸۶) و ترجمه شاهنامه فردوسی توسط دکتر عبدالوهاب عزام از مهمترین کارهای فرهنگی عصر نهضت است که فتح بایی بود در جهت آشنایی ادبای عرب با ادبیات حماسی.

۲- استشراق

مقدمات ادبیات تطبیقی را در ادبیات معاصر عرب به وجود آورد، سبب شد مسأله (comparitvli Literature) نقد تطبیقی در میان ناقدان به طور جدی تری دنبال شود.

۳- شعر داستانی

قصه شعری که توسط خلیل مطران تبلور یافت ضمن اینکه گرایشهای گوناگون ادبی نظیر رمانتیسیم، سمبولیسم و... در آن حل شد. به مدد شعر داستانی مسأله حوار و گفتگو در شعر شاعران حماسه سرا مطرح گردید. (همان منبع، صص ۲۵۷، ۲۵۹)

۴- تطور شعر تعلیمی

شعر تعلیمی در عصر عباسی شکوفایی عجیبی داشت. به مدد بحر عروضی رجز در جامعه عرب ظهور کرد که قصد آموزش علوم و معارف را داشت که بعدها به صورت ارجوزه‌هایی طولانی در مدح خلفا و ماجراهایشان در آمد.

شعر تعلیمی به علت آزادی شاعر در بیان شعری و قافیه، مقاصد شعر حماسی را بهتر برآورده می‌ساخت و لذا مورد استفاده شعرای حماسه پرداز قرار گرفت.

در عصر نهضت، احمد شوقی از جمله کسانی بود که اشتیاق و افری نسبت به کاربرد شعر تعلیمی در داستانهایش نشان داد: (شوقی، احمد، شرقیات، الجزء الاول، ص ۷۱۱)

تَشْهَدُ لِلجَنَسِینِ بِالکَرَامَةِ	حِکَايَةُ الْکَلْبِ مَعَ الْحُمَامَةِ
بِین الرِّیَاضِ غَارِقاً فِی النُّومِ	يُقَالُ إِنَّ الْکَلْبَ ذَاتَ یَوْمِ
مُنْتَفِخاً کَأَنَّهُ الشَّیْطَانُ	فَجَاءَ مِنْ وَرَائِهِ الثَّعْبَانُ
فَرَقَّتِ الْوُرُقَاءُ لِلْمُسْکِینِ ...	وَهُمْ أَنْ يُغْدِرَ بِالْأَمِینِ

ویژگیهای شعر حماسی معاصر عرب

- ۱- اسطوره‌گرایی (Mythology) ۲- نمادهای دینی نظیر عاشورا
- ۳- قهرمانان اسطوره‌ای: امام علی، بلال، فطرس، خون خدا ۴- زاری و دعا به درگاه حق، تعالی ۵- ارائه تصویری از جامعه عرب، پندارها و باورها آنان.
- ۶- صدور کرامات و اعمال خوارق عادت از منبع ولایت و نبوت ۷- اماکن مقدس، نظیر مکه ۸- شکوفایی فزاینده خیال Imagination و عاطفه Sentiment در ابتدا گرایش تاریخی محض بر شعر حماسی عرب حاکم بود بعدها جنبه ملی - مذهبی به خود گرفت.

خاستگاههای شعر حماسی معاصر عرب

مصر با تاریخ چندین هزار ساله اش اولین زمزمه‌های شعر حماسی را از زبان احمد شوقی (قصاید فرعونى و اسلامیات وی) سرداد.

سپس، لبنان با شاعرانی چون خلیل مطران به احیای شعر حماسی همت گماشت آنگاه در عراق، جمیل صدقی زهاوی شعله‌های شعر حماسی را فروزان نگاهداشت. فوزی معلوف و شفیق معلوف نیز از دیگر شعرای حماسه پردازند.

پیشگامان شعر حماسی

اولین زمزمه های شعر حماسی از شاعرانی چون احمد شوقی و حافظ ابراهیم شنیده شد که در باب احیای امجاد تاریخ اسلام، اشعار طولانی از آنان برجای مانده است. نیز عبدالحلیم معری با ملحمه بکریه خود و شیخ محمد عبدالمطلب با قصیده حماسی علویه در حماسه امام علی (ع) و همچنین احمد محرم سراینده ایللیاد اسلامی از مهمترین پیشگامان شعر حماسی عرب در عصر حاضرند.

زکی المحاسنی با "الملحمة العربية"، و کامل آمین و عبدالمنعم خفاجی با "ملحمة السيرة الخالدة" از دیگر پیشگامان شعر حماسی هستند. استاد سلیمان بستانی به عنوان پایه گذار نقد تطبیقی و مترجم ایللیاد هومر به عربی از دیگر پایه گذاران شعر حماسی عرب است که مقدمه ای برای ظهور حماسه های "عبر" از شفیق معلوف و "علی بساط الريح" از فوزی المعلوف و "الملحمة المطرانية" از خلیل مطران و "ملحمة الغدير" از پولس سلامة و "ملحمة اهل البيت" از عبدالمنعم فرطوسی شد. در این بخش از مقال، سخن را کوتاه کرده به معرفی و نقد حماسه سرایان معاصر عرب می پردازیم.

● سلیمان بستانی

مترجم ایللیاد هومر به عربی منظوم است که مقدمه بسیار طولانی و وافی در باب نقد و مقایسه جاهلیت عرب و جاهلیت یونان و علت فقدان شعر حماسی در ادب قدیم عرب آورده است. وی در اواخر سال ۱۸۸۷ به نظم ایللیاد هومر پرداخت و در ابتدا به مطالعه ترجمه های انگلیسی و ایتالیایی آن پرداخت تا بتواند ارتباط بهتری میان ملت خود و ملتهای دیگر برقرار کند. (حطیط، کاظم، اعلام و رواد، ص ۲۹۴)

استاد بستانی معتقد بود که همه ملتها مایه افتخارشان داشتن حماسه و نمایشنامه است و از اینکه علمای عصر عباسی در بیت الحکمة از ترجمه ایللیاد غافل ماندند متالم می شد. لذا در صدد برآمد تا جبران مافات کند و آنرا ترجمه کند و

ایلیاد و ادبیات حماسی آن را به ملت عرب معرفی نماید. (فاخوری، حنا، الجامع فی الادب العربی الحدیث، ص ۱۶۸ - ۱۶۹) هارتمان (M.Hartman) در مورد ترجمه ایلیاد به عربی توسط بستانی در کتابش (De. Arab frag) می‌گوید: «کاری که سلیمان بستانی در ترجمه منظوم ایلیاد کرد از شاهکارهای بسیار بزرگ و قابل تقدیر است». (دایرة المعارف الاسلامیة، جلد ۷، ص ۶۲۸)

مقدمه بستانی بر ایلیاد، شامل پنج باب است: هومر و معرفی او، ایلیاد، مسأله تعریف، ایلیاد و شعر عربی، خاتمه. در این مقدمه، وی به شرح احوال راویان شعر و حماسه‌های عرب می‌پردازد. بستانی که درصدد یافتن نقاط مشترک میان شاعر عرب جاهلی و شاعر یونان است می‌گوید: «شاعر عرب در نظم اشعارش مثل شاعر یونانی بود، او هم شیطان داشت. آنجا پادشاهان بزرگ بودند که بر قبایل کوچک حکمرانی می‌کردند و به جدال می‌پرداختند و اینجا یونان و تروا هم پیمانان جنگجویی بودند که گاه در جنگ و گاه در صلح به سر می‌بردند.» (بستانی، سلیمان، ترجمه ایلیاد، ص ۱۰۵ - ۱۶۳)

وی در بخش دیگری از مقدمه خود به نقد ادبیات ایلیاد می‌پردازد و ادبیات عربی را بر آن ترجیح می‌دهد، چه ادب هومری به دروغپردازیهای زیادی متوسل شده است و ادبیات عربی را ادبی راستگرا و صادق در احساس و عاطفه مطرح می‌کند. ضمن اینکه زبان و ادبیات ایلیاد از بین رفته و متروک شده در حالی که زبان و ادبیات عربی همچنان باقی است. (همان منبع، ص ۱۱۳ - ۱۱۵)

بستانی در ترجمه منظوم خود به وزن واحدی مقید نبود، بلکه به علت حجم بسیار بالای اشعار هومر، اوزان متعددی را برای آن در نظر گرفته است که بافضای حاکم بر آن بیت ارتباط نزدیک دارد:

رَحَفَ الطَّرْوَادَةُ عَنْ بُعْدِ
بَصْدِيدِ عَالٍ مُشْتَدِّ

و دَوَى يَقْضُدُ كَالرَّعْدِ

كَالزَّهْوِ إِذَا اشْتَدَّ المَطَرُ
وَالْقُرُ مَوَاطِنُهُ يَنْدَرُ

فِی الْجَوْ تَعُجُّ لَهُ زُمُرٌ فَوْقَ الْاِقْيَاسِ تَنْتَشِرُ

(بستانی، سلیمان، تعریب ایلیاده، صص ۳۱۱-۳۱۲)

● احمد شوقی

با قصاید حماسی چون کبار حوادث النیل (ملحمة مصر) در ادبیات حماسی مطرح است وی با داشتن حمیت لازم در شعر حماسی، در خصوص بیان فتوحات مسلمانان و گسترده‌گی قلمرو آنان و داشتن قصایدی چون ابوالهول، کلوباترا، شخصیتی مهم در شعر حماسی عرب به شمار می‌رود. (بستانی، پطرس، جلد ۳ - ص ۲۸۱) نیز دیوان "دول العرب و عظماء الاسلام" از اوست که به سبک شعر تعلیمی، حوادث مهم تاریخ اسلام را به همراه قهرمانان آن به تصویر کشیده است. (خفاجی، عبدالمنعم، الادب العربی الحدیث، الجزء الاول، ص ۷۷ - ۷۸)

اما قصیده "کبار حوادث النیل" که تحت تاثیر قصیده "اسطورة قرون" و یکتور هوگو و قصاید متنبی است، وزن واحدی دارد و سادگی بیان حماسی در آن مشهود است. (فاخوری، حنا، الجامع فی الادب العربی الحدیث، ص ۴۴۵) هر چند که فقدان عاطفه و تخیل حماسی در آن چشمگیر است و به تعبیر استاد دکتر عباس محمود عقاد رابطهٔ رمانتیک با طبیعت ندارد و صنعت بر ذوق غلبه کرده است، (عقاد، عباس محمود، شعراء مصر و بیانه‌هم، ص ۴۵) اما مقدمه خوبی برای شعرای حماسه پرداز معاصر عرب، نظیر احمد محرم و فوزی معلوف و شفیق معلوف بود. وی در بخشی از این حماسه سروده:

أَجْفَلَ الْجِنُّ عَنْ عَزَائِمِ فِرْعَوْنَ وَانْتَ لِبِأْسِهَا الْاِبَاءُ
شَادَ مُالِمٌ يَشِدُّ زَمَانٌ وَلَا اِزْ
شَاعَ عَصْرٌ وَلَا بُنِي بِنَاءُ
مِصْرٌ مُوسَى عِنْدَانْتِمَاءٍ وَ مُوسَى

مِصْرُ إِن كَانَ نَسْبَةً وَ انْتِمَاءً

وُلْدِ الرَّفْقِ يَوْمَ مَوْلِدِ عَيْسَى

والمروءاتُ والهدى والحياءُ....

(شوقی، احمد شوقیات، جزء اول، ص ۱۷-۲۴)

● احمد محرم

با داشتن مجموعه اشعار حماسی و تاریخی به نام ایلیاد اسلامی معروف است. دکتر شوقی ضیف که در کتاب ارزشمند خویش "در اسات فی الشعر العربی المعاصر" به بررسی دقیق ایلیاد اسلامی احمد محرم پرداخته می‌گوید: «مبهرن است که محرم در ایلیاد اسلامی، شعر حماسی نظیر ایلیاد هومر ندارد چه میان نظم سیره پیامبر و شعر داستانی تفاوت بسیار است، چون اولی جنبه تاریخی بر آن غلبه دارد و دومی با تخیل حماسی آراسته شده». (ضیف، شوقی، دراسات فی الشعر العربی المعاصر، ص ۵۴) به نظر دکتر شوقی ضیف محرم نتوانست از فرصت‌های طلایی سیره پیامبر نظیر معراج، امدادهای غیبی، ملائکه، جبرئیل و ... بهره جوید و در جهت ساخت شعر حماسی خود آنرا به کار برد و ثنویت موجود در شعر حماسی را قوت بخشد. لذا کار وی به آمارگیری بیشتر شبیه است تا حماسی! البته با وجود وارد بودن این ایرادها، احمد محرم به عنوان مطرح کننده شعر حماسی در میان شعرای معاصر عرب، مقدمه خوبی به شمار می‌رود.

● فوزی معلوف

وی از حماسه سرایان معروف معاصر عرب است که ملحمه "علی بساط الريح" را سروده است که رنگ آمیزی های عرفانی در آن چشمگیر است و مجموعه داستانهایی است که در عوالم برتر صورت گرفته و بر رهایی روح از جسم اصرار دارد و شرح مبارزات و پیکارهای انسان با دیو ماده است. (حطیط، کاظم، اعلام و رواد،

این قصیده مزيجی است از ادب قدیم و جدید عرب، آمیخته‌ای از رسالة الغفران ابوالعلاء و سبک مؤشحات و تصوّف اسلامی - مسیحی و نیز یاد آور شعرهای ابن شهید اندلسی (التوابع و الزوابع) است.

در این قصیده، اشراقها و خیزشهای حماسی در پروازهای فرا جسمانی در نقطه‌ای خیال انگیز به اوج خود می‌رسد (همان منبع، ص ۳۹۵ - ۳۹۶) و نشانه‌ای از گریز رمانتیکی شاعر از واقعیت موجود است. (جندی، انعام، الرائد، الجزء الثاني، ص ۴۱۸) به هر تقدیر تلاش وی در بخش داستانی شعر حماسی قابل تحسین است؛ چراکه تخیلی کردن، شعر حماسی را زیباتر جلوه می‌دهد.

● شفیق معلوف

برادر فوزی از خانواده‌ای اندیشمند و ادیب بود. حماسه معروف وی "عبر" (سرزمین اجنه و عفاریت) است. در این حماسه، اسطوره و خیال به اوج قله‌های بلندی رسیده‌اند بویژه اسطوره‌های عربی نظیر اساطیر جاهلی‌ها، خرافه‌های فارس و یونان روم، مصر و بابل. (جحا، میشال خلیل، الشعر العربي الحديث من احمد شوقي الى محمود درويش، ص ۱۸۰)

میخائیل نعیمه در "فی الغربال الجديد" درباره آن می‌گوید: «شاعر در این سفر خیالی که به همراهی شیطان صورت می‌گیرد به عبقری‌ها (شعرا) می‌رسد که به صورت اسکلت‌هایی هستند و به کسوتی عربی در آمده‌اند. (نعیمه، میخائیل، فی الغربال الجديد، ص ۴۸۳ - ۴۸۸)

همونیز در بخشی از نامه خود به شفیق که در باره "عبر" اوست نوشته: «توبا این اقدام گام بزرگی در پرواز دادن شاعریتت به عوالمی برتر از عوالم محسوسات برداشتی چه عبرت تو - جهانی است که نه اشکالش حدی دارد و نه رنگ‌هایش را، پایانی است....». (نعیمه، میخائیل، رسائل میخائیل نعیمه (المجموعة الكاملة)، جلد ۸ ص ۴۲۹)

● جمیل صدقی زهاوی

وی که به عنوان شاعری عالم، مطرح است و قصاید تعلیمی زیادی از وی بر جای مانده، در باب شعر حماسی نیز با قصیده بلند "ثورة في الجحيم" معروف است.

این حماسه، شرح اسفار بعد از مرگ شاعر است که در عالم برزخ صورت گرفته که برگرفته از کمدی الهی دانته و رساله الغفران ابوالعلاء است و جنگ میان ملائکه و شیاطین را در جهنم که بر اثر انقلابی رخ داده به تصویر می‌کشد. (فاخوری، حنا، الجامع، ص ۴۳۰)

● الیاس ابوشبکه

وی با حماسه معروف خود "غلاء" معروف است. رزوق فرج رزوق در مورد این قصیده می‌گوید: "اصلی ترین هدف شاعر از سرودن این قصیده بلند و حماسی بیان صورتی از جامعه معاصر و تمدن کنونی در قالب داستان است. به طوری که جامعه را مستعد خیر و شر معرفی می‌کند خیری به نام غلواء و شری به نام ورده. (ابوشبکه، الیاس، مقدمه دیوان، ص ۳۵)

مجموعه مراحل (اسفار) چهارگانه: معرفی غلواء - مرحله عذاب درون - تجلی درونی و غفران را دارد (رزوق، فرج رزوق، الیاس ابوشبکه و شعره، صص ۱۵۴ - ۱۶۱) ایلیا الحاوی در باره غلواء می‌گوید: «اسلوب روائی حاکم بر غلواء است که به گفتگوی حماسی معروف بوده و از سوی دیگر اسطوره‌های معروف عربی نظیر جمیل بثینه در آن چشمگیر است.» (الحاوی، ایلیا، الیاس ابوشبکه، شاعر النعیم و الجحیم، صص ۴۳ - ۹۶)

● خلیل مطران و الملحمة المطرانية

وی تحت تأثیر ادبیات آلفرد دو موسه قرار داشت و به عنوان بنیانگذار نوگرایی در شعر معاصر عرب مطرح است. تفکر او مزیجی بود از عقل و عاطفه، فکر و خیال

و ذوق سلیم. (جحا، میثال خلیل، خلیل مطران باکوره التجدید فی الشعرالعربی الحدیث، ص ۱۰۰)
 نیز تکیه بر تاریخ، عنصر اصلی تفکرات او در داستان سرایی است. قصد اصلی
 وی از اشعار حماسی برانگیختن حس آزادی و آزادگی و قیام علیه ظالمین است. (عشقرقی، منیر، خلیل مطران، ص ۵۷) مهمترین قصیده حماسی وی قصیده "نرون" است
 که با استناد به تاریخ سروده شده است.

● نسیب عریضه

به شاعر الطریق معروف است. وی در این قصیده حماسی بلند با عنوان (علی
 طریق ارم) به تعبیر میخائیل نعیمه دست به نوآوری زده و جهان روحانی را به
 زیبایی به تصویر کشیده و اوزان و تقاطیع و قوافی گوناگون را در آن به کار برده است
 که داستان رسیدن انسان به ارم (مدینه فاضله) است.
 مجموعه سرودهای این قصیده ۶ سرود است با عنوانهای اول الطریق - القلوب
 علی الدروب - الطلل الاخیر - القفرالاعظم - قیروان و نارارم.

● پولس سلامه

شاعر مسیحی که در باب عید غدیر حماسه‌ای با عنوان ملحمة الغدیر سروده
 است وی در مقدمه این دیوان می‌گوید: «بله! من مسیحی هستم و ازکرانه‌های وسیع
 بر موضوع می‌نگرم. مسیحی در مقابل عظمت امام علی (ع) کرنش می‌کند». (سلامه
 پولس، ملحمة الغدیر، ص ۷-۸)

حماسه عیدالغدیر با تعدد قوافی، یک وزن واحد را دنبال می‌کند و ضمن بیان
 سیره پیامبر، جنگهای بدر و احد و خندق و تولد امام علی و ازدواجش و حوادث
 مهم حیات امام علی (ع) و واقعه کربلا شروع خوبی برای پرداختن به حماسه‌های
 جاویدان تاریخ اسلام است و خالی از دروغپردازیهای حاکم بر ایلید هومر
 می‌باشد. در این راستا دکتر عدنان علی رضا النحوی را اعتقاد بر این است که

ادبیات اسلامی باید از خصایص ادب یونانی رها شود و قید و بندهای آن را بگلسد تا ادبی پویا را تشکیل دهد چراکه این ادبیات ملل دیگر است که نیازمند ادبیات غنی اسلام است. (النحوی، عدنان علی رضا، ملحمة الاقصی، ص ۳۲)

بنابراین ادبای اسلامی باید هرگونه وابستگی خود را به آداب دیگر قطع کنند و بااستناد به حوادث و رخدادهای درخشان تاریخ اسلام ادبیات حماسی را به نمایش بگذارند. این مقصد عالی، توسط پولس سلامه برآورده شد و آنهمه شکوه تعبیر، تشبیهات و عبارات برگزیده و زیبا، و تخیلات عمیق تجسید یافت:

وَ إِذَا بِالنَّبِيِّ فَي سِبْهُ رُؤْيَا	تَكشِفُ الغَيْبِ وَ اضْحَاً
مَدَّ سَبَابَةً يُشِيرُ إِلَى الغَبْرَاءِ	يُحْصِي مَضَارِعَ الأشْقِيَاءِ
تَسْكُبُ الشَّمْسُ فِي الأَصِيلِ شُعَاعاً	يَبْعَثُ الدَّفَاءَ فِي صَمِيمِ البُدُورِ
بَلَغَ العَائِدُونَ بَطْحَاءَ حُمِّ	فَمَكَانُ الرُّكْبَانِ فِي التَّنُورِ...

(سلامه، پولس، دیوان، ص ۱۱۸)

● عبدالمنعم فرطوسی

وی از ادبای شیعه معاصر است که در خصوص اهل بیت به نظم حماسه‌ای طولانی پرداخته که آن را در ۲۰ هزار بیت سروده است:

جَاءَ جَبْرِئِلُ بِالبُرَاقِ إِلَيْهِ	وَ هُوَ فِي مَوْكِبٍ مِنَ الأَضْوَاءِ
قَالَ هَذَا مُحَمَّدٌ حِينَ أَبَدِي	شَدَّةَ الإِمْتِنَاعِ فِي الأَبْتِدَاءِ
فَارْتَقَى فَوْقَ ظَهْرِهِ فَتَسَامَى	يَسْبِقُ البَرْقَ طَائِرَافِي الهَوَاءِ ...

(فرطوسی، عبدالمنعم، ملحمة اهل البيت، الجزء الاول، ص ۲۵۲ - ۲۵۳)

لازم به ذکر است شعرابی نظیر عزیز اباطه، با حماسه من اشراقات السيرة الزكية و ثروت اباطه با حماسه تاریخی خود صلاح لبکی با حماسه "من اعماق الجبل" و حلیم و دموس با حماسه "من اناشيد الملحمة العربية الكبرى" و زکی المحاسنی با

حماسه "الملحمة العربية" بر تارک ادبیات حماسی درخشیده‌اند که به علت ضیق مجال در این مقال وجیز و به آنها پرداخته نشد...

نتیجه:

ادبیات حماسی در عصر حاضر، میان ادبای عرب به معنای اخص آن مطرح شده است و ارتباط با ادبیات فارسی (شاهنامه فردوسی) و ادبیات اروپایی (ایلیاد هومر) ادبای عرب را به سمت احیای اسطوره‌های تاریخ درخشان اسلام سوق داده است.

از حماسه‌پردازان معاصر عرب، آثار حماسی فراوانی برجای مانده است. وجود اساطیر عربی، اهتمام به قصه‌پردازی و شعر داستانی و تشکیل ملیت عرب از جمله انگیزه‌های ظهور شعر حماسی عرب در عصر حاضر بوده است. ضمن اینکه حرکت‌های نقدی، نظیر نقد تطبیقی در این امر دخالت مستقیم داشته است. از سوی دیگر گرایش جدیدی در شعر حماسی معاصر عرب مشاهده می‌شود که با رنگ آمیزی‌های عارفانه همراه بوده و در آثار فوزی معلوف و شفیق معلوف انعکاس شدیدی یافته است.

سپاسگزاری و تشکر:

با تشکر فراوان از راهنمایهای ارزنده اساتید محترم گروه زبان و ادبیات عربی در تدوین و نگارش این مقاله: جناب آقای دکتر سیدامیر محمود انوار دانشمند گرانمایه و ادیب فرزانه، جناب آقای دکتر محمود شکیب استاد بزرگوار و اندیشمند عالی‌مقدار، جناب آقای دکتر فیروز حریرچی محقق بی‌بدیل و علامه جلیل، که روشنگر افق‌های پرنور در برابرم بوده‌اند.

منابع و مأخذ:

- ١- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدين محمد بن مكرم، لسان العرب، چاپ اول، لبنان، ١٤٠٨.
- ٢- ابوحاقه، احمد، دون تاريخ، فن الشعر الملحمي، دارالمشرق، قاهره.
- ٣- ابوشبكه، الياس، المجموعة الكاملة في الشعر، المجلد الاول، الطبعة الاولى، رواد النهضة، بيروت، ١٩٨٥.
- ٤- ارسطو، فن الشعر، ترجمه عبدالحسين زرین کوب، تهران، انتشارات امیرکبیر، ١٣٦٥.
- ٥- بستاني، پطرس، ادباء العرب، ج ٣، دارنظير عبود، ١٩٨٨.
- ٦- بستاني، سليمان، تعريب ايلياذة، دارالعلم للملأين، بيروت، ١٩٨٦.
- ٧- پول، وان تيگم، المذاهب الادبية الكبرى في فرانسأ، ترجمه فريد آنتونيوس، الطبعة الثالثة، منشورات عويدات، بيروت، ١٩٨٣.
- ٨- ترحيني، فايز، الادب انواع و مذاهب، الطبعة الاولى، النخيل للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت، ١٩٩٥.
- ٩- جندي، انعام، الرائد في الادب العربي، الجزء الثاني، الطبعة الثانية، بيروت، دارالرائد العربي، ١٩٨٦.
- ١٠- حجا، ميشال خليل، الشعر العربي الحديث في احمد شوقي الى محمود درويش، الطبعة الاولى، دارالعودة، دارالثقافة، بيروت، ١٩٩٩.
- ١١- حاوي، ايليا، الياس ابوشبكه شاعر الجحيم والنعيم، لا.ط، بيروت، دارالكتاب اللبناني.
- ١٢- حطيط، كاظم، اعلام و رواد في الادب العربي، لا.ط، بيروت، الشركة العالمية للكتاب، ١٩٨٧.
- ١٣- خفاجي، عبدالمنعم، الادب العربي الحديث، الطبعة الاولى، قاهره، مكتبة الكليات الازهرية، ١٩٨٥.
- ١٤- رزوق، فرج رزوق، الياس ابوشبكه و شعره، الطبعة الاولى، بيروت، دارالكتاب اللبناني، ١٩٨٧.
- ١٥- سلامة، پولس، ملحمة عيدالغدير، دون طبعة، الشركة العالمية للكتاب، بيروت، ١٩٨٦.
- ١٦- شميسا، سيروس، انواع ادبي، انتشارات فردوس، چاپ دوم، تهران، ١٣٧٤.
- ١٧- شوقي، احمد، شوقيات، الجزء الاول، الطبعة الاولى، بيروت، دارالفكر العربي، ١٩٩٦.
- ١٨- صفا، ذبيح الله، حماسه سرايي، انتشارات اميرکبیر، تهران، ١٣٦٠.
- ١٩- ضيف، شوقي، دراسات في الشعر العربي المعاصر، الطبعة السابعة، القاهرة، دارالمعارف، ١٩٦٣.
- ٢٠- فاخوري، حنا، الجامع في الادب العربي الحديث، الطبعة الثانية عشر، بيروت، دارالجيل،

١٩٨٦.

- ٢١- فرطوسی، عبدالمنعم، ملحمة اهل البيت، دارالزهراء، الطبعة الاولى، بيروت، ١٩٧٧.
- ٢٢- عشقوفی، منیر، خلیل مطران، الطبعة الاولى، بيروت، دارالمشرق، ١٩٩١.
- ٢٣- عقاد، عباس محمود، شعراء مصر و بیئاتهم فی الجیل الماضي، الطبعة الثالثة، مكتبة النهضة المصرية، ١٩٦٥.
- ٢٤- کزازی، میرجلال الدین، حماسه، اسطوره، روایا، چاپ اول، نشر مرکز، تهران، ١٣٧٢.
- ٢٥- کفافی، محمدعبدالسلام، فی الادب المقارن، الطبعة الاولى، بيروت، دارالنهضة العربية، ١٩٧١.
- ٢٦- نحوی، عدنان علی رضا، ملحمة الاقصى، الطبعة الثانية، الرياض، دارالنحوی، ١٩٩٣.
- ٢٧- نعیمه، میخائیل، المجموعة الكاملة، دارالعلم للملایین، بيروت، ١٩٨٧.
- ٢٨- الهمدانی، عبدالرحمن بن عیسی، الالفاظ الكتابية، دارالكتاب العلمية، بيروت ١٩٨٥.